

عیسی(ع) در روایات اسلامی؛ پلی برای گفتگوی اسلام و مسیحیت در تمدن نوین اسلامی

عیسی(ع) در روایات اسلامی؛ پلی برای گفتگوی اسلام و مسیحیت در تمدن نوین اسلامی

- غلامرضا اکرمی^[1]

فوق لیسانس ادیان و عرفان از دانشگاه تهران

(دانشجوی دکتری علوم و قرآن و حدیث دانشگاه مازندران)

چکیده:

انسان‌ها در دنیای امروز در پرتو پیشرفت‌های ارتباطی بیش از پیش به هم نزدیک شده‌اند و دنیا عملاً به دهکده و خانواده‌ای جهانی تبدیل شده است. تسامح، تساهل، گفت‌وگو و همکاری ادیان از لوازم و ضروریات تکامل و سعادت انسان در دهکده‌ی جهانی است. مسلمانان در پرتو تعالیم قرآن، پیامبر(ص) و ائمه(ع) در دوره طلایی فرهنگ و تمدن اسلامی در گذشته به اصل تسامح و تساهل و رعایت حقوق ادیان مختلف پایبند بودند و این خود یکی از عوامل پیشرفت و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است.

امروزه نیز اگر قرار است طرح و برنامه‌ای برای احیای فرهنگ و تمدن اسلامی به شکلی نوین و

پویا اندیشیده شود، باید اصل تساهل، تسامح، گفت‌وگو و احترام به حقوق ادیان مختلف در آن لحاظ شود. گفت‌وگو و همکاری اسلام و مسیحیت یکی از ابعاد این طرح می‌تواند باشد. حجم قابل توجهی از روایات اسلامی در مورد عیسی(ع) است و از این طریق زندگی و تعالیم اخلاقی و معنوی او به شکل مفصلی گزارش شده است استخراج، بررسی و تحلیل این احادیث می‌تواند پلی برای ارتباط، اتصال، گفت‌وگو و مشارکت اسلام و مسیحیت در ساختن تمدن نوین و جهانی اسلام باشد.

کلید واژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، اسلام، مسیحیت، عیسی، روایات، گفتگو.

مقدمه (طرح بحث)

تحولات و پیشرفت‌های بشر در چند سده‌ای اخیر به ویژه در حوزه‌ای ارتباطات مرزهای جغرافیایی و سیاسی را بی‌معنی کرده و انسان‌ها را بیش از پیش به هم نزدیک کرده است و باعث شده دنیا به «دهکده‌ای جهانی» تبدیل شود (توماس، 2005: 268). این پیشرفت‌ها در حوزه‌ای ارتباطات و این نزدیکی انسان‌ها همچنان به اشکال و انحاء مختلف در جریان است و به راحتی می‌توان پیش‌بینی کرد که دنیای فردا را به «خانواده‌ای جهانی» تبدیل خواهد کرد. از لوازم و ضروریات بقا و تکامل این دهکده یا خانواده گفت‌وگو، شناخت، تفاهم احترام متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز ساکنان و اعضای آن است، در غیر این صورت این دهکده یا خانواده محل مشاجره، دعوا و جنگ خواهد بود و نتیجه‌ی چنین فرایندی چیزی جز خود ویران‌گری و تباهی زندگی انسان نخواهد بود.

در دهکده‌ای جهانی امروز و در خانواده‌ای جهانی فردا، اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان مختلف وجود دارد و وجود خواهد داشت، به همین خاطر برای ساختن یک دنیای بهتر و فرهنگ و تمدن موفق تر و پیشروتر، گفت و گو، تفاهم و همزیستی مسالمت آمیز فرهنگ‌ها و ادیان مختلف از ضروریات است. در غیراین صورت تمدن نوینی ساخته نخواهد شد و یا اگر ساخته شود بیمار، رنجور و پریشان خواهد بود .

دنیای اسلام در گذشته با الهام از قرآن و سنت پیامبرخاتم (ص) و اوصیای او و با استفاده از اندیشه، دانش و تجارب دیگر ملت‌ها و با تلاش و پشتکار زیاد موفق به خلق فرهنگ و تمدن درخشان اسلامی شد که در نوع خود بی نظیر بود و تا چندین قرن پیش‌تاز حوزه‌ی علم، اندیشه و فرهنگ بود. یکی از

ویژگی‌های این تمدن داشتن روحیهی تسامح، تساهل، مدارا و دوری از تعصب‌های کور و افراطی بود. گوستاو لوبون (مورخ و اندیشمند فرانسوی 1931م) اذعان می‌کند که روحیهی تساهل مذهبی اسلام و مسلمانان نسبت به دیگر ادیان و به ویژه نسبت به یهودیان و مسیحیان بی‌نظیر بود. (لوبون، 1367، ج4: 148)

مسلمانان این روحیه‌ی تسامح و تساهل و احترام به دیگر ادیان را از قرآن، سخنان و سیره‌ی پیامبر(ص) و امامان(ع) آموخته بودند. قرآن آزادی فکر و عقیده را به رسمیت می‌شناسد (البقره/ 256) و پیروان خود را از نژادپرستی و خود برتر بینی باز می‌دارد و تقوا و انسانیت را ملاک برتری انسان‌ها می‌داند (الحجرات/ 13) و اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) را دعوت به وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز براساس اصول مشترک می‌کند (آل عمران/ 64). قرآن نگاهی فرا زمانی و فرا مکانی دارد و خطابش متوجه بشریت است و برای همه‌ی وحی‌های پیشین و پیامبران الهی احترام قائل می‌شود. قرآن پیامبر اسلام را «رحمة للعالمین» و پیامبر همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها می‌داند و با توجه به این نکته برخی صاحب نظران از تعبیر «اسلام جهانی» (Islam Ecumenical) برای اشاره به دین اسلام استفاده می‌کنند. (باس، 2005: 251)

قرآن، انسجام و اتحاد جامعه‌ی بشری را در سطوح مختلف به قرار ذیل مد نظر قرار داده است :

1. اتحاد و انسجام در سطح خانواده (21/ نساء)

2. یگانگی و وحدت مسلمانان (آل عمران/ 103)

3. اتحاد ادیان آسمانی (آل عمران/ 64)

4. اتحاد جامعه‌ی جهانی (الحجرات/ 13) (نصیری، 1387: 74-76).

در سنت قولی و فعلی پیامبر(ع)، امامان شیعه(ع) و دیگر بزرگان و علمای مسلمان اصل گفت‌وگو و احترام به دیگر ادیان و اصل همزیستی مسالمت‌آمیز همیشه در کانون توجه قرار داشته است. جامعه نبوی و دولت شهر مدینه جامعه‌ای متکثر بود که در آن حقوق همه‌ی قومیت‌ها، نژادها و ادیان رعایت می‌شد و قرن‌ها قبل از اینکه بحث حقوق بشر و اصالت و کرامت ذاتی انسان مطرح باشد، حضرت محمد(ص) جامعه‌ای چند دینی مبتنی بر مساوات، عدالت و مدارا بنیان گذاری کرده بود. (باس، 2005: 259؛ زرگری

نژاد، 1392: 425) گزارش گفت وگوها، مناظره‌ها و نامه نگاری پیامبر(ص) و امامان(ع) با یهودیان و مسیحیان در منابع روایی و تاریخی اسلام ثبت شده است (طبرسی، 1416، ج1: 27-25؛ ابن‌اسحاق، 1368: 174-180). رعایت ادب و اخلاق اسلامی، داشتن سعه صدر و تحمل عقاید دیگران، پرهیز از جدال‌های بی‌حاصل، استفاده از روش عقلی، استفاده از تشویق و ترغیب به جای تهدید و ارعاب، تکیه بر اصول مشترک ادیان، گفت‌وگو با هدف کشف حقیقت، تسلط بر منابع دینی مخاطب به ویژه تورات و انجیل، احترام به انبیاء گذشته به ویژه عیسی(ع) و مادر او، مریم(س)، از ویژگی‌ها و اصول حاکم بر گفت‌وگوها، مناظره‌ها و نامه‌های پیامبر(ص) و امامان(ع) بود. (طاهری آکردی، 1387: 156-171) با این اوصاف می‌توان گفت که در اسلام، زندگی مسالمت آمیز با دیگر ادیان و رعایت حقوق آنان امری تحمیلی، ناگزیر و از سر ضرورت نبود بلکه به عنوان یک اصل و هدف و ارزش مقدس مدّ نظر بود و هست. (جوادی آملی، 1387: 50؛ کریمی نیا، 1382: 100)

اگر این روحیه تسامح و تساهل و رعایت اصل زندگی مسالمت‌آمیز نبود، تمدن درخشان اسلامی شکل نمی‌گرفت و تداوم و تکامل نمی‌یافت. این روحیه تسامح و تساهل، بلند نظری و احترام به دیگران در دوره طلایی فرهنگ و تمدن اسلامی باعث شده بود که پیروان ادیان مختلف با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند و در فعالیت‌های علمی، تمدنی و فرهنگی با مسلمانان همکاری و مشارکت داشته باشند.

چنانچه روحیه تسامح و تساهل و احترام به دیگر ادیان را یکی از عوامل پیشرفت، تکامل و درخشش فرهنگ و تمدن اسلامی در گذشته بدانیم، باید فاصله گرفتن از این روحیه و اصل ارزشمند و حاکم شدن روحیه‌ی تعصب و تنگ نظری را از عوامل سقوط و انحطاط فرهنگ و تمدن اسلامی بدانیم. (ولایتی، 1390: 155) حال اگر قرار است که امروز و یا فردا به شکل نوین و کامل تری به احیای فرهنگ و تمدن جهانی اسلام بپردازیم باید از گذشته‌ی این فرهنگ و تمدن درس بگیریم و با الهام از گذشته آینده‌ی مطلوب تری بسازیم.

همان‌گونه که در ابتدای این مقال اشاره شد امروزه به مدد پیشرفت ارتباطات، دنیا به یک دهکده جهانی تبدیل شده و با پیشرفت و تکامل ارتباطات به‌طور قطع دنیای فردا نه دهکده‌ی جهانی که خانواده‌ی جهانی خواهد بود. این پدیده، ساکنان این دهکده و اعضای این خانواده را بیش از پیش به هم نزدیک کرده است و تکامل، رشد و سعادت آن‌ها را به هم وابسته و درهم تنیده کرده است. از این رو است که گفت‌وگو، تفاهم، احترام متقابل و مشارکت در ساختن دنیای بهتر از ضروریات دهکده‌ی جهانی و خانواده‌ی بشری است.

در طراحی و برنامه‌ریزی برای خلق و ایجاد تمدن نوین اسلامی پایبندی به اصل مقدس و ارزشمند احترام به ادیان مختلف و استراتژی مؤثر زندگی مسالمت‌آمیز امری ضروری و گریزناپذیر است. در این میان گفت‌وگو، تفاهم، احترام متقابل و همکاری اسلام و مسیحیت بیش از پیش امری ضروری، بایسته، و شایسته است و علما، اندیشمندان، رهبران و اتاق‌های فکرنیای اسلام باید به دنبال یافتن پل و پل‌های ارتباطی برای گفت‌وگو و همکاری متقابل اسلام و مسیحیت برای ساختن دنیا و تمدنی نوین و بهتر باشند.

در متون روایی اسلام، اعم از شیعه و سنی عیسی(ع) جایگاه ممتازی دارد و حجم قابل توجهی از روایات اسلامی مربوط به زندگی، سخنان و تعالیم عیسی(ع) است. نگارنده باور دارد و در این مقاله در پی تبیین و اثبات این مهم است که سخنان، تعالیم و آموزه‌های عیسی(ع) در میراث حدیثی اسلام می‌تواند پلی برای گفت‌وگو، دوستی و همکاری اسلام و مسیحیت در تمدن نوین اسلامی باشد.

جایگاه عیسی(ع) در دین اسلام و نزد مسلمانان

در قرآن و متون روایی همه پیامبران الهی مورد احترام بوده و به عنوان الگوی اخلاقی و معنوی مطرح‌اند. عیسی(ع) یکی از بزرگ‌ترین پیامبران الهی و از زمرهی پیامبران اولوالعزم (ثابت قدم، صاحب شریعت و کتاب آسمانی) محسوب می‌شود و شخصیت و تعالیم او در نزد مسلمانان از جایگاهی خاص و احترام بالایی برخوردار است. بخش قابل توجهی از روایات اسلامی به گزارش زندگی و معرفی شخصیت و تعالیم معنوی و اخلاقی عیسی(ع) اختصاص دارد. کمیت و کیفیت این روایات و تعالیم اگر از کمیت و کیفیت روایات اناجیل اربعه (در عهد جدید) بیشتر نباشد، کمتر نیست. این روایات که در میان مجموعه‌های حدیثی فریقین (اهل سنت و شیعه) و کتاب‌های اخلاقی و عرفانی آنان پراکنده است از گذشته تا حال کم و بیش مورد توجه ویژه‌ی محققان و دانشمندان اسلامی بوده است و برخی اقدام به جمع‌آوری این روایات در کتاب‌هایی دائرة المعارف گونه به «قصص الانبیاء» کرده‌اند. همهی کتاب‌های قصص الانبیاء بخشی را به گزارش زندگی و تعالیم عیسی(ع) اختصاص داده‌اند. قصص الانبیاء قطب‌الدین راوندی (573ه/1117م) و قصص الانبیاء ابن کثیر دمشقی (775ه/1374م) از این دست آثار است. برخی از متقدین همچون ابن عساکر (519ه/1125م) در کتاب «سيرة السيد المسيح» و برخی از متأخرین و معاصران همچون دکتر طریف‌الخالدي در کتاب «انجيل برواية المسلمين» و دکتر مهدی منتظرالقائم در کتاب «عیسی(ع) فی روایات المسلمين الشيعة» اقدام به جمع‌آوری احادیث مربوط به عیسی(ع) در روایات اسلامی

به صورت مجموعه‌ای مستقل و مجزا نموده‌اند. جایگاه عیسی(ع) در روایات اسلامی و اهتمام مسلمین به نقل و جمع‌آوری این احادیث و استشهاد به آن‌ها در مباحث اخلاقی و عرفانی نشان می‌دهد که توجه، احترام و عشق عیسی(ع) در میان مسلمانان کمتر از توجه و عشق مسیحیان به این پیامبر الهی نیست و این حقیقت می‌تواند حلقه‌ای اتصال و پل ارتباط مسلمانان و مسیحیان در تمدن نوین اسلامی باشد.

عیسی(ع)، پیامبر اخلاق

اخلاق در ادیان آسمانی (به ویژه اسلام) جایگاه ممتاز و ویژه‌ای دارد و قرآن، پیامبر اسلام(ص) را «اسوه‌ای حسنه» (احزاب/21) و دارای «خلق عظیم» (قلم/4) معرفی می‌کند. پیامبر اسلام یکی از عمده‌ترین اهداف رسالت خود را تکمیل و تثبیت مکارم و ارزش‌های اخلاقی می‌داند (محمدي ري شهري، 1388، ج3: 479). اخلاق محوری اسلام نکته‌ای است که مورد توجه دین‌شناسان تطبیقی نیز قرار گرفته است و تأکید بر فضایل اخلاقی و انسانی را یکی از وجوه اصلی دین اسلام دانسته‌اند (تیواری، 1381: 182). برخی از صاحب‌نظران معتقدند که اسلام بیشتر از احکام و شریعت به اخلاق توجه کرده است و می‌توان از قرآن و احادیث اسلامی يك مرامنامه‌ای اخلاق انسانی و جهانی را استخراج کرد (کونگ، 1377: 398).

در تعالیم عیسی مسیح(ع) در اناجیل نیز اخلاق و ارزش‌های والای انسانی جایگاه ویژه‌ای دارد. بخش اعظم روایات عیسی(ع) در متون اسلامی نیز مربوطه به جهان‌بینی توحیدی و امور اخلاقی است (ر.ک ابن‌شعبه حرانی، 1389: 1101-1113؛ صدوق، 1389: 890-905؛ حر عاملی، 1389: 191-207).

اوامر و نواهی اخلاقی عیسی(ع) در متون اسلامی حیطه‌ای وسیعی از اخلاقیات فردی گرفته تا اخلاقیات اجتماعی را شامل می‌شود. این پیامبر بزرگ و اولوالعزم چه در اناجیل و چه در روایات اسلامی، فضایل اخلاقی را به زیباترین، هنرمندانه‌ترین و اثرگذارترین شکل ممکن ارائه می‌دهد و از فن و آرایه‌ای تمثیل (تشبیه تمثیلی، استعاره‌ای تمثیلیه و حکایت تمثیلی) به گیراترین و بدیع‌ترین شکل ممکن برای ارائه‌ای مکارم و ارزش‌های اخلاقی استفاده می‌کند. افزون بر این زندگی، سلوک، منش و شخصیت او نیز نمایش، تجسم و تمثیلی بود از مکارم و ارزش‌های اخلاقی که آموزش می‌داد به همین خاطر بسیاری او را «پیامبر تمثیل» نامیده‌اند. (حکمت، 1387: 177-178).

در تمدن نوین اسلامی بدون شك اخلاق و فضایل انسانی مبنا و محور روابط انسانی خواهد بود، لذا

می‌توان با تکیه بر تعالیم اخلاقی قرآن، پیامبر اسلام(ص) و تعالیم اخلاقی عیسی(ع) در روایات اسلامی و همچنین تعالیم اخلاقی او در اناجیل يك مرامنامه‌ی اخلاقی جهانی را تدوین و ارائه کرد که حلقه‌ی اتصال و پل ارتباط اسلام و مسیحیت در تمدن نوین اسلامی باشد.

عیسی(ع)، پیامبر دعا و معنویت

دعا و نیایش یکی از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین مشخصات ادیان است و بخش قابل توجهی از متون و ادبیات هر دینی به دعا و مناجات اختصاص یافته است؛ آنجا که می‌توان گفت دین بدون دعا و مناجات وجود ندارد (اکرمی، 1387: ص 58). برخی صاحب‌نظران معتقداند که دیندار بودن و دعا کردن در واقع یک چیزاند و دعا و نیایش برای دین همان نقشی را دارد که اندیشیدن برای فلسفه دارد. (فرزاد، 1383: 8)

یکی از نیازهای بنیادین انسان نیاز به معنا و معنویت و ارتباط و اتصال به خدا (امر مقدس، دغدغه نهایی) است و انسان بدون توجه و پرداختن به این نیاز نمی‌تواند به آرامش و اطمینان خاطر برسد (کارنگی، 1380: 175) دعا و نیایش در انواع و اشکال مختلف آن (تسبیح، تقدیس، استغفار، اعتراف، حمد، شکر و استخاره و طلب خیر) آرامش روحی و اطمینان قلبی را برای انسان به ارمغان می‌آورد (جاستین و همکاران، 1385: 160). دعا، نیایش و ارتباط با خدا باعث می‌شود انسان خود را در دایره‌ی بی‌نهایت هستی و زندگی تنها، سرگردان، رها، پوچ و بی‌هدف نبیند و با اطمینان و هدفمند به زندگی ادامه دهد. دعا و مناجات به انسان شوق زیستن و شجاعت بودن را ارزانی می‌کند.

در ادیان ابراهیمی به ویژه مسیحیت و اسلام، دعا و مناجات از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در سیره، سبک زندگی و تعالیم عیسی(ع) به دعا و مناجات اهمیت زیادی داده شده است برخی از دعاها و مناجات‌های عیسی(ع) در عهد جدید گزارش شده است. (متی 6: 9 – 13 ؛ یوحنا 11: 24) او در این مناجات‌ها به تسبیح و تقدیس خداوند می‌پردازد و خواسته‌های معنوی و مادی، دنیوی و اخروی خود را به شکلی مؤدبانه و صمیمانه‌ای از خداوند طلب می‌کند (متی 5: 6 ؛ مرقس 6: 7 – 8). او پیروان خود را به دعا و مناجات با خدا دعوت و تشویق می‌کند و نحوه‌ی دعای خالصانه، عمیق و به دور از ریا را به آنان آموزش می‌دهد (مرقس 11: 24 – 25).

برخی از دعاها و عیسی(ع) در روایات اسلامی منعکس شده است. او در این دعاها ادب و آداب دعا

کردن و گفت‌وگو با خدا را به مؤمنان می‌آموزد و نگاه توحیدی و روحیه‌ی تسلیم، توکل و امید به خالق یگانه‌ی جهان را در آنان تقویت می‌کند. این دعاها کلاس درس معارف توحیدی و مدرسه‌ی آموزش سبک زندگی اخلاقی و معنوی است (مفید، 1388: 27؛ الطبرانی، 1413: 272-273؛ ابن حنبل، 1981: 173؛ مجلسی، 1403، ج 95: 75؛ منتظرالقائم، 2006: 231-232)

به نظر برخی از صاحب‌نظران یکی از اشکال و سبک‌های گفت‌وگویی بین ادیان، گفت‌وگویی معنوی و توجه مقوله دعا و ارزش‌های معنوی است (شارپ، 1384: 37) توجه به این مقوله می‌تواند بستری برای تبلیغ معنویت دینی در دنیای گرسنه و تشنه‌ی معنا و معنویت امروز و فردا باشد و همچنین می‌تواند زمینه‌ای برای گفت‌وگو و همکاری اسلام و مسیحیت در تمدن نوین اسلامی فراهم آورد.

مقایسه زندگی و شخصیت ائمه‌ی شیعه(ع) با زندگی و شخصیت عیسی(ع)

در متون روایی اسلام، به ویژه متون روایی شیعه، علاوه بر اینکه احادیث زیادی در مورد زندگی و تعالیم عیسی(ع) وجود دارد، حجم قابل ملاحظه‌ای از احادیث نیز وجود دارد که در آن به مقایسه و مقارنه‌ی زندگی و شخصیت ائمه شیعه(ع) با زندگی و شخصیت عیسی(ع) پرداخته شده است. این احادیث نگاه همدلانه‌ی شیعه را به عیسی(ع) کاملاً هویدا می‌کند. گوئ اینکه از منظر شیعه، عیسی(ع) صرفاً یک پیامبر نیست بلکه امامی از امامان شیعه است. زندگی، شخصیت و تعالیم عیسی(ع) از آن سو زندگی و شخصیت ائمه‌ی شیعه را به یاد می‌آورد، و از این سو زندگی و حالات ائمه‌ی شیعه(ع) زندگی و شخصیت عیسی(ع) را در ذهن و اندیشه‌ی یک مسیحی تداعی می‌کند. هشام بن حکم (179ه/ 795م) شخصیت امام صادق(ع) را برای بریهه (روحانی و عالم مسیحی) وصف می‌کند و می‌گوید آن بزرگوار معصوم، منصف، حلیم، عالم، شجاع، حافظ دین، از نسل انبیاء و صاحب فتوا است. بریهه می‌گوید این صفات، صفات مسیح است جز اینکه او مسیح نیست (صدوق، 1390: 425)

مقارنه و مقایسه‌ی ائمه شیعه(ع) با عیسی(ع) در روایات اسلامی، گاه جنبه‌ی کلی و عمومی دارد همچون: مقایسه‌ی اوصیای محمد(ص) با اوصیای عیسی(ع) (صدوق، 1391، ج 1: 418، صفار، 1392، ج 2: 57-58) همراهی روح‌القدس با عیسی(ع) و ائمه (کلینی، 1391، ج 1: 56) کرامات و معجزات ائمه(ع) با معجزات عیسی(ع) (همان، ج 2: 477؛ مجلسی، 1403، ج 4: 58). علم ائمه(ع) به انجیل (الکوفی، 137: 51)، وارث عیسی بودن ائمه(ع) (همان: 51). این مقایسه و مقارنه گاه جنبه جزئی و موردی نیز دارد همچون: مقایسه‌ی

فاطمه(س) با مریم(س)، مادر عیسی(ع)، (الطوسي، 1413، ج1: 315؛ مفید، 1402: 56)، مقایسه‌ی علی(ع) با عیسی(ع) که پیامبر(ص) او را شبیه‌ترین فرد به عیسی(ع) می‌داند. (الکوفي، 1391، 451، قنبري و همکاران، 1394: 76 به نقل از صدوق 1363، ج1: 48 – 50؛ الطريحي 2012: 47)؛ مقایسه امام حسین(ع) با عیسی(ع) (الراوندي، 1409: 264 – 265؛ ابن قولويه، 1393، 149–150) مقایسه‌ی امام مهدی(ع) با عیسی(ع) (فرات کوفی؛ 1381: 140؛ طوسي، 1387: 329؛ فیض کاشانی، 1375: 294 – 295). این مورد اخیر گویای آن است که عیسی(ع) در کنار مهدی(ع) پای ثابت بسیاری از روایات آخرالزمانی اسلام (اعم از شیعه و اهل سنت) است. این روایات حاکی است که مهدی(ع) بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی و باطنی عیسی(ع) را دارا است و عیسی(ع) در آخرالزمان به همراه امام مهدی(ع) نزول و ظهور می‌کند و در اصلاح و تعالی جامعه‌ی انسانی با او همکاری می‌نماید.

افزون براین‌ها روایات شیعه گزارش می‌دهد که در ازل و عالم ذر؛ آن‌وقت که هنوز جغرافیا و تاریخ در کار نبود تمامی انبیاء (به ویژه پیامبران اولوالعزم و از جمله عیسی) مؤمن، مقرر و متعهد به رسالت پیامبر اکرم(ص) و ولایت و امامت امامان شیعه(ع) بودند و بسیاری از فضایل و توفیقات خود را به برکت همین ایمان باطنی و روحانی به حقانیت و ولایت اهل بیت کسب کرده‌اند. (مجلسی، 1403، ج18: 288؛ مفید 1402: 250).

این احادیث که به صورت کلی با موردی به مقایسه ائمه(ع) با عیسی(ع) پرداخته‌اند از یک‌سو نگاه همدلانه، مؤمنانه، محترمانه و برادرانه‌ی شیعه به عیسی(ع) و تعالیم او را نشان می‌دهد. و از سوی دیگر نشان می‌دهد که پیامبران و از جمله عیسی(ع) به لحاظ روحی و باطنی به حقیقت محمدیه و ولایت ائمه(ع) ایمان داشته‌اند و به عبارتی شیعه قبل از شیعه و شیعه‌ی ازلی بوده‌اند. توجه به این روایات و بررسی، تحلیل آن‌ها ما را در شناخت بهتر زندگی و شخصیت عیسی(ع) و ائمه یاری می‌کند و همچنین می‌تواند بستری را برای گفت‌وگو، همدلی و همکاری مسلمانان و مسیحیان در تمدن نوین اسلامی فراهم آورد و این نکته را فرا یاد مؤمنان به ادیان الهی بیاورد که انبیاء و اولیای الهی برادران باطنی و معنوی بودند و حقایق معنوی و فضایل اخلاقی مشترکی را تعلیم می‌دادند و با هم سرستیز نداشتند، پس پیروان آنان نیز باید اهل گفت‌وگو، همدلی، همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز و برادرانه باشند.

اصل تسامح و تساهل و احترام به حقوق سایر انسان‌ها و پیروان ادیان مختلف در قرآن، روایات و در تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی به عنوان يك اصل، ارزش و هدف مقدس مطرح بوده و هست و یکی از عوامل پیشرفت و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در گذشته رعایت همین اصول تسامح و تساهل، احترام متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز بوده است که مشارکت و همکاری همه قومیت‌ها، ملیت‌ها و ادیان موجود در دارالاسلام را در پی داشته است. امروزه نیز اگر قرار است طرح و برنامه‌ای برای احیای تمدن جهانی اسلام به شکلی نوین و پویا اندیشیده شود، باید اصل گفت‌وگو و همکاری ادیان و اصل احترام به حقوق پیروان ادیان مختلف در آن لحاظ شود. گفت‌وگو و همکاری اسلام و مسیحیت یکی از جنبه‌های این گفت‌وگو و مشارکت باید باشد. در قرآن و به ویژه در روایات اسلامی بخش قابل توجهی از زندگی و تعالیم عیسی(ع) گزارش شده است. این احادیث گویای جایگاه برجسته‌ی عیسی(ع) در دین اسلام و نزد مسلمانان است. بررسی، تحلیل و ارائه‌ی این احادیث که زندگی و تعالیم اخلاقی و معنوی عیسی(ع) را تصویر می‌کند، می‌تواند پلی برای ارتباط، اتصال گفت‌وگو و مشارکت اسلام و مسیحیت در فردای تمدن نوین اسلامی باشد.

منابع و مأخذ

- القرآن الكريم (1389)، ترجمه حسين انصاريان، قم، انتشارات آيين دانش.
- كتاب مقدس (2000)، ترجمه تفسيرى انجمن كتاب مقدس
- ابن اسحاق، محمد (1368)، سيره‌ي ابن‌اسحاق (السير و المغازي) تهران دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامي
- ابن حنبل، ابوعبداﷲ احمد بن محمد الشيباني (1981)، الزهد، حقه و قدمه محمد جلال شريف، بيروت، دارالنهضة العربيه للطباعة و النشر.
- ابن‌شعبه حراني (1389)، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه احمد جنتي، تهران شركت چاپ و نشر بين الملل.
- ابن قولويه، جعفر بن محمد (1391)، كامل الزيارات، ترجمه‌ي امير وكيلىان، قم دفتر انتشارات اسلامي.
- اكرمي، غلامرضا، (1387)، مقاله‌ي «دعا و نيايش در اديان» ماهنامه‌ي اخبار اديان شماره 2 و 1، ص 58 - 62.
- پل، جاستين و همكاران (بي تا)، مقالهي « خود معنوي » ترجمه‌ي پيمان ملا زاده، فصلنامه‌ي معنا، شماره 2، ص 159-186
- تيوارى، كدARNات (1381)، دين‌شناسي تطبيقى، ترجمه‌ي مرضيه شنكائى، تهران، انتشارات سمت
- جوادى‌آملى، عباﷲ (1387)، سيره‌ي پيامبر اكرم، قم، انتشارات اسراء

-حراملي، شيخ محمد بن حسن (1389)، كليات احاديث قدسي (الجواهر السنیه في احاديث القدسية)، ترجمهي كريم فيضي، قم انتشارات آل محمد

– حكمت (1387)، امثال قرآن، آبادان، نشر پرسش

– الراوندي، قطب الدين (1409)، قصص الانبياء، تحقيق علي رضا عرفانيان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوي

– زرگري نژاد، غلامحسين (1392) تاريخ صدر اسلام (عصر نبوت) تهران، سمت

– شارب، اريك (1384) مقاله ي «گفتگوي اديان» ترجمه ي غلام رضا اكرمي، ماهنامه ي اخبار اديان، شماره 17، ص 33 – 37

– صدوق، محمد بن علي (1389) الامالي، ترجمه ي محمدحسين خورشيدي، قم انتشارات انتخاب اول

– صدوق، محمد بن علي (1390) التوحيد، ترجمه ي محمد قنبري، قم انتشارات وانك

– صدوق، محمد بن علي (1391)، كمال الدين و تمام النعمة، ترجمه ي منصور پهلوان، قم، سازمان انتشارات دارالحدیث

– صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد، ترجمه ي محمد فريودي، قم، انتشارات پیام مقدس

– طاهري آكردي، محمدحسين (1387)، پيشينه ي تاريخي گفت وگوي اسلام و مسيحيت، قم، انتشارات موسسه ي آموزشي و پژوهشي امام خميني.

– الطبراني، سليمان بن احمد (1413)، الدعاء، بيروت، موسسه ي الكتب التفافيه.

– طبرسي، ابي منصور محمد بن علي (1416)، الاحتجاج، تهران، انتشارات اسوه.

– الطريحي، محمد سعيد (2012)، مسيحيون و شيعة، بيروت، دارالرفدين

– الطوسي، محمد بن حسن (1413)، الاستبصار فيها اختلف من الاخبار، تحقيق العلامة محمد جواد فقيه، بيروت، دارالاضواء

– الطوسي، محمد بن حسن (1387)، الغيبة، ترجمه ي محمد حسن عزيزي، قم، انتشارات مسجد جمكران

– فرات كوفي، ابوالقاسم فرات بن ابراهيم (1391)، تفسير فرات كوفي، ترجمه ي معصومه آعبداء و حكيمه علي اكبر، قم، انتشارات دليل ما.

– فرزاد، حميدرضا (1383)، مقاله «راز و رمز نيايش»، روزنامه ي ايران، شماره 3024

– فيض كاشاني، مولي محسن (1375)، نوادر الاخبار، تحقيق مهدي انصاري قمي، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انساني مطالعات فرهنگي .

– قنبري سروش و همكاران (1394)، مقاله ي همانندي هاي عيسيدع و عليدع در سنت اسلامي، فصلنامه ي الهيات تطبيقي شماره 14، ص 75-78.

– كارنگي، ديل (1380)، آيين زندگي، ترجمه ي ريحانه جعفري، تهران، دفتر نشر نويد.

– كريمي نيا، محمد مهدي (1384)، مقاله ي « دو ديدگاه اسلام درباره همزيستي مسالمت آميز»، مجله پژوهش هاي مديريت راهبردي، شماره 2135، ص 140-120

– كليني، محمد بن يعقوب (1391)، اصول كافي، ترجمه ي سيد علي مرتضوي، قم، انتشارات سرور.

– كوفي اهوازي، حسين بن سعيد (1391)، الزهد، ترجمه ي عبد ا صالحي، قم، انتشارات نور السجاد.

– كونگ، هانس (1377)، ساحت هاي معنوي اديان، مترجم حسن قنبري، قم، انتشارات دانشگاه اديان

و مذاهب

– لوبون، گوستاو (1347)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه‌ی هاشم حسینی، تهران، کتابفروشی اسلامیة.

– مجلسی، شیخ محمد باقر (1403)، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، بیروت، مؤسسه‌ی الکتب الثقافیه

– محمدی ری‌شهری، محمد (1387)، میزان الحکمة، ترجمه‌ی حمیدرضا مشایخی، قم، دار الحديث

– مفید، محمد بن نعمان (1389)، الامالی، ترجمه‌ی عبد الرحیم عفیفي بخشايشي، قم، دفتر نشر نوید

– منتظر الفائم محمد (2006)، عیسی(ع) فی روایات المسلمین الشیعه، بیروت، معهد المعارف الحیة

– ولایتی، علی اکبر (1390)، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف .

- Boas , Roger (2005): "ecumenical Islam: A Muslim Response to Religious pluralism" , in Islam and Global Dialogue, Roger Boas(ed) A shgate publishing. P: 247-265

-Thomas Hezell , Jeremy (2005) , "the challenge of pluralism and Golbal dialogue" , Roger Boas(ed), Ahgte puplishing company , p: 267-272

[\[11\]](#) - این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری نگارنده با عنوان «عیسی(ع) در روایات فریقین و مقایسه‌ی آن با عیسی در عهد جدید» میباشد .